



## بررسی بازتاب مؤلفه‌ها و ویژگی‌های رمانتیکی و غنایی در داستان‌های ترجمه فرج بعد از شدت مهتاب اوتاری<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

محمدعلی خزانه‌دارلو<sup>۲</sup>

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۴)

### چکیده

فرج بعد از شدت، از جمله آثار ارزنده قرن ششم به شمار می‌رود که در بردارنده مسائل اخلاقی و اعتقادی همانند: صبر در برابر سختی‌ها، توکل به خداوند در حل مشکلات، ایثار و از خودگذشتی، انسان‌دوستی، امیدواری در نیل به آرزوها با توکل به خداوند است. همان‌گونه که از عنوان کتاب برمی‌آید، نویدبخش گشایش و فرج برای انسان‌هایی است که خود را در معرض مصائب و سختی‌ها می‌بینند. در واقع، نویسنده، با بهره‌گیری از آیه شریفه «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» راه‌هایی از سختی‌ها را در قالب حکایات و داستان‌های دینی و تاریخی آموزش می‌دهد. فرج بعد از شدت، علاوه بر اشتغال بر درون‌مایه‌های اخلاقی و تعلیمی، دارای جنبه‌های ادبی و هنری به منظور تأثیرگذاری بیشتر در ذهن خواننده نیز است. یکی از جنبه‌های هنری و ادبی کتاب، بهره‌بردن نویسنده از ویژگی‌های رمانتیکی و غنایی در داستان‌هاست که می‌توان این ویژگی‌ها را در درون برخی از حکایات و روایات‌های کتاب مشاهده نمود. تعمیم دادن عناصر رمانتیسم به کتاب‌هایی از این قبیل با توجه به این که در دوره‌های قبل از پیدایش این مکتب هستند، خارج از تسامح نیست و نمی‌توان آن‌ها را مطابق با ویژگی‌های رمانتیسم غرب که در قرن هجدهم پدید آمد، بررسی نمود؛ اما ویژگی‌های رمانتیکی همچون: بیان آزادانه احساسات و عواطف انسانی، توصیف‌های مخیل و هنری، قهرمان‌گرایی، فردیت‌گرایی، عشق و مغالزه را در معنای غالب آن، یعنی ویژگی‌های عاشقانه که در ادبیات فارسی از آن به ادبیات غنایی تعبیر می‌شود، می‌توان در حکایات فرج بعد از شدت بررسی و تطبیق نمود.

**واژه‌های کلیدی:** فرج بعد از شدت، دهستانی مؤیدی، رمانتیسم، داستان‌های غنایی، عشق.

<sup>1</sup> Email: mahtabotari@yahoo.com

(نویسنده مسئول)

<sup>2</sup> Email: khazaneh@yahoo.com



## A study of the reflection of romantic and lyric components and characteristics in "Faraj Ba'd Az Sheddad" (comfort after suffering) stories

Mahtab Otari<sup>1</sup>

PhD student of Persian language and literature of Gilan University

Muhammadali Khazanehdarlou<sup>2</sup>

Associate professor of Persian language and literature of Gilan University

(Received: 2018/10/1; Accepted: 2019/6/25)

### Abstract

Faraj Ba'd Az Sheddad is one of the most valuable works of sixth century which includes ethical and religious issues such as: patience for adversities, trusting in god in resolving problems, self-sacrifice, humanitarian, and hope in achieving aspirations with trusting in god. As it comes from the title of the book it promise convenience and relief for people who find themselves in midst of adversity and hardship. In fact, the author, using the noble verse of "indeed hardship is followed by ease" teaches the way to get rid of hardships in form of religious and historical anecdotes and stories. Faraj Ba'd Az Sheddad, in addition to having ethical and educational themes, it also has literary and artistic aspects to influence the reader's mind more. One of the artistic literary aspects of the book is the author's use of romantic and lyric features in the stories which can be found in some of the anecdotes and narratives in the book. Extending the elements of romanticism to books like this book which belongs to preceding periods is not leniency and cannot be analyzed according to western romanticism which appears in eighteen century; but romantic features such as: freely expressing of human emotions and sentiments, artistic descriptions, heroism, individualism, love, love making in its predominant sense, means love feature which call lyric in Persian literature can be studied and adopted in Faraj Ba'd Az Sheddad.

**Keywords:** Farraj Ba'de Sheddad, Dehestani Moayedi, Romanticism, Lyric stories, Love.

<sup>1</sup>. Email: mahtabotari@yahoo.com

(Responsible author)

<sup>2</sup>. Email: khazaneh@yahoo.com

## مقدمه

از آن جایی که ادبیات کهن ما قسمت عمده‌ای از آثار گرانبها را در خود ذخیره کرده‌است، وظیفه‌ی ماست تا برای بهتر شناختن و زنده نگاه‌داشتن آن، از روش‌ها و شیوه‌های نوین ادبی برای تجزیه و تحلیل آن‌ها کمک بگیریم. بازنگری مجدد، به وسیله معیارهای سنجش نو، باعث می‌شود دست‌آوردهای مفیدی در زمینه‌های مورد بررسی به دست آید که ارزش این متون را بیشتر می‌کند و برای دفعات متوالی آن‌ها را در معرض توجه قرار می‌دهد. محققان ادبی در این راستا نقش مهمی را بر عهده دارند و وظیفه آن‌ها حفظ و زنده نگاه‌داشتن متون قدیمی ادبیات است و برای تحقق این امر، از نظریه‌های جدید ادبی بهره می‌برند و با رویکردهای نوین به معرفی و فراموش نشدن آن‌ها کمک می‌نمایند. این تحقیق می‌کوشد تا به تبیین حکایات «فرج بعد از شدت» از نظر مبانی و مؤلفه‌های رمانتیسیم پردازد تا ضمن پیدا کردن معیارهای تحلیل جدید بر حکایات کتاب، گامی در جهت معرفی مجموعه مذهبی - ادبی بردارد.

درباره رمانتیسیم، تألیف‌ها و مقاله‌های بی‌شماری به نگارش درآمده که نشان‌گر اهمیت موضوع و جایگاه ویژه آن در میان پژوهش‌گران و محققان است و تعاریف بی‌شماری از آن بیان شده که هر کدام به جنبه‌ای از ویژگی‌های آن اشاره نموده‌اند. اما با همه این تعاریف، نمی‌توان تعریف دقیق و منسجمی از رمانتیسیم ارائه داد؛ زیرا به گفته فورست «کسی که در مورد ارائه تعریفی از رمانتیسیم برآید به کاری مخاطره‌آمیز دست زده که بسیاری کسان را ناکام گذارده‌است. این هشدار به موقعی است که ای. بی. بورگام در سال ۱۹۴۱ در مجله کنیون ریویو در باب رمانتیسیم به ما می‌دهد» (فورست، ۱۳۷۵: ۱۱).

رمانتیسیم، عنوان مکتبی بود که در اواخر قرن هیجدهم علیه خردگرایی کلاسیک به پاخواست و توجه ویژه آن به سمت بیان آزاد احساسات و عواطف انسانی است که براساس آن، شاعر یا نویسنده آزادانه به شرح روحیات و روابط عاشقانه خود می‌پردازد و تخیل و احساس از عمده‌ترین مسائل مربوط به آن است. در رمانتیسیم، همه امور و پدیده‌ها

اعم از امور طبیعی و انسانی به صورت هنری بازتاب می‌یابند و از آن‌جا که توصیف امور درونی انسان از قبیل: عشق، غم، شادی، هیجان، ترس، پریشانی، خیال‌پردازی، رویا و آرزو است، در مخاطبان تأثیر عمیقی دارند. بنا به نظر شلگل «در سبک رومانتیک؛ طبیعت و هنر، شعر و نثر، جد و هزل، خاطره و پیش‌گوئی، عقاید مبهم و احساسات زنده، آن‌چه آسمانی است و آن‌چه زمینی است، و بالاخره زندگی و مرگ درهم می‌آمیزد» (سیدحسینی، ۱۳۷۶: ۱۷۸). آن‌چه در رمانتیسیم بیش از همه اهمیت می‌یابد، احساس و عاطفه است که در اثر ناملایمی‌های جامعه شکل گرفته است؛ به همین دلیل مورد استقبال مخاطبان قرار می‌گیرد. «این نهضت، به منظور ارج نهادن به احساس و عاطفه‌های انسانی و واکنش در برابر ناامنی‌ها، نابرابری‌ها و نابسامانی‌های دامن‌گستر ناشی از انقلاب صنعتی و انقلاب فرانسه پایه‌گذاری می‌شود» (مرتضویان، ۱۳۸۶: ۱۷۵). در ادبیات ایران، به‌ویژه در متون کلاسیک، رمانتیک مترادف با همان ادبیات غنایی است و ویژگی‌های آن متناسب با همان تفکرات عاشقانه غنایی است که در بردارنده سوز و گدازهای عاشقانه، حسرت از فراق معشوق، آه و ناله و گریه‌های ناشی از هجران، شوق و هیجان وصال، توصیف زیبایی‌های خط و خال و لب و دهان معشوق، پرداختن به زن و توصیف ویژگی‌های جسمانی و گاه‌أ روحانی اوست و تفاوت رمانتیک در ایران با رمانتیک جهانی در همین امر است. «در ایران این تصویری نسبتاً رایج است که رمانتیسیم صرفاً یک شیوه و سبک ادبی است که عمدتاً در پاره‌ای ژست‌های عاشقانه و مقداری آه و افسوس و اشک و حسرت خلاصه می‌شود و به لحاظ اجتماعی و فکری نیز پدیده‌ای است ضد رئالیستی و مبتنی بر خیال‌اندیشی و ذهن‌گرایی صرف؛ اما واقعیت این است که رمانتیسیم نه فقط یک مکتب ادبی بلکه جنبش و نهضتی است که زمینه‌های گوناگونی همچون: ادبیات، فلسفه، علوم اجتماعی و سیاسی، معماری، موسیقی، نقاشی و سینما و جز آن را دربرمی‌گیرد» (جعفری‌جزی، ۱۳۷۸: ۱).

مکتب رمانتیسیم با ویژگی‌هایی همانند: احساس‌گرایی، فردگرایی، عشق، خیال‌پردازی و پرداختن به تخیل، توصیف‌های هنری و زیبایی‌آفرینی، ترجیح احساس بر عقل، گرایش به طبیعت و حسرت، در سطح ادبیات جهان پدیدار گشت. این مکتب با این

ویژگی‌ها و خصوصیات، بیشتر در معنای روابط عاشقانه و احساسی در ادبیات ایران به نمایش در آمد که اغلب در مفهوم ادبیات غنایی است. رمانتیسم در معنای جهانی آن از دوره مشروطه وارد ادبیات فارسی شد و قابلیت پذیرش آن در شعر بیش از داستان بود و در شعرهای شاعرانی همانند: میرزاده عشقی در سه تابلو مریم - که در نظر برخی از محققان، نخستین سروده به صبغه رمانتیسم است - مشاهده می‌شود. بعدها نیما یوشیج توانست مطابق با معیارهای رمانتیسم جهانی، شعر معروف «افسانه» را بسراید که در دوره‌های بعدی در اشعار فریدون تولگی، نادر نادرپور و نصرت رحمانی چشم‌انداز گسترده‌ای یافت.

فرج بعد از شدت ترجمه کتابی به همین نام از عربی است. اصل کتاب نوشته «داود بن ابراهیم تنوخی» معروف به قاضی تنوخی (متوفی قرن چهارم) و مترجم آن «حسین بن اسعد دهستانی» (متوفی قرن هفتم) است «و این مجموعه را «جامع الحکایات فی ترجمه الفرّج بعد الشدّة و الضیقّه» نام نهاد. او منشی مخصوص عزالدین بن طاهر زنگی فریومدی حکمران خراسان بود و این ترجمه را به وی تقدیم کرد» (حاکمی، ۱۳۷۲: ۱۴). «سدیدالدین محمد عوفی» (متوفی اوایل قرن هفتم) بخش‌هایی از آن را ترجمه و در کتاب‌های خود، به نام «جوامع الحکایات» و «لباب الالباب» آورده است. نخستین بار سدیدالدین محمد بن محمد عوفی این کتاب را در سال ۱۰۶۲ هجری به پارسی درآورد. ولی متأسفانه آن ترجمه بالاستقلال باقی نماند است» (همان: ۱۴).

موضوع اثر چنان‌که از نامش پیداست، گشایش بعد از سختی، در زندگی انسان است. نویسنده، آن را در سیزده باب که هر باب مشتمل بر چندین داستان است، به شیوه قصه و حکایت بازگو می‌کند. عنوان هر باب، با درون‌مایه اصلی حکایت‌هایش، تناسب معنایی، مفهومی و زبانی ویژه‌ای دارد. این کتاب، دارای مضامین و درون‌مایه‌های اخلاقی و تعلیمی همانند: صبر، توکل، نیکی به دیگران، گذشت و ایثار، یاری‌گری و مددکاری، فراغت از بیماری و پریشانی، عشق، وفای به عهد، رهایی از فقر و تهیدستی، روابط حسنه و نیکو، صله رحم و... می‌باشد که در زندگی مردم از گذشته تا به امروز از نظر روان‌شناسی، اجتماعی، دینی، ادبی نقش کاربردی دارد. نویسنده از مسائل و مشکلاتی سخن می‌گوید

که در ادوار مختلف تاریخی، همواره گریبان‌گیر انسان و جامعه بوده‌است و راه‌هایی از معضل و گرفتاری را باورهای دینی و مذهبی می‌داند و به نوعی تعلیم اخلاقی و دینی می‌دهد که در پی آن آرامش در دو سطح مادی و روحانی برای انسان فراهم می‌شود. این اثر «دارای دو بیست و سی و یک حکایت است که موضوع حکایت‌ها در آن جنبه اخلاقی و مذهبی است» (نبی‌لو و فتحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۸: ۱۲).

«فرج بعد از شدت» کتابی است تعلیمی - اخلاقی که بیش از نیمی از آن را آیات قرآنی تشکیل می‌دهد که برای تأیید سخنان نویسنده، آورده شده‌است. مفهوم داستان‌ها با این آیات و دعاها به هم مرتبط است و مضمون واحدی را می‌رسانند. این حکایات و روایات، به نوعی مصداق بر این آیات بوده و در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها قابل تفسیر و تعبیر هستند. آنچه در این حکایت مهم جلوه می‌کند، نقش کلیدی و پُر اهمیت دعا در حل مشکلات است. در این نوشته، سعی محقق بر این است تا با نگاهی به حکایت‌ها و داستان‌های فرج بعد از شدت، میزان بهره‌گیری نویسنده از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های رمانتیکی و غنایی مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرد و در نهایت به پرسش‌های اصلی تحقیق پاسخ مناسب داده شود. این پرسش‌ها عبارتند از:

۱- مهم‌ترین مؤلفه‌ها و ویژگی‌های رمانتیکی و غنایی در داستان‌های فرج بعد از شدت کدام هستند؟ ۲- آیا اطلاق رمانتیسم به این گونه آثار صرفاً در معنای تطبیق با مفهوم اروپایی آن است؟ کدام یک از مؤلفه‌های رمانتیسم در فرج بعد از شدت بیش از سایر مؤلفه‌ها مشاهده می‌شود؟ بنابراین، محقق بعد از پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها، در قسمت نتیجه‌گیری با ارائه جدول و نمودار آماری میزان به کارگیری مؤلفه‌ها و ویژگی‌ها را نشان می‌دهد و در پایان بیان می‌کند که کتاب فرج بعد از شدت، دارای برخی از ویژگی‌های رمانتیکی است. هر چند اطلاق رمانتیسم در معنای جهانی و اروپایی آن برای این گونه داستان‌ها با تسامح است، اما با بررسی‌هایی که در این مقاله انجام می‌دهیم، خواهیم دید که نویسنده به جنبه‌هایی از ویژگی‌های رمانتیک نظر داشته که اغلب در مفهوم ادبیات غنایی است و عمده آنان بیان آزادانه احساسات و عواطف شخصی، تخیل و خیال‌پردازی‌های

شاعرانه و هنری، پرداختن به زن و توصیف آنان در اثنای حکایات، فردیت‌گرایی، غم و اندوه انسانی و قهرمان‌گرایی را در بردارد.

### پیشینه تحقیق

بازگویی پیشینه تحقیق در دو بخش جداگانه «فرج بعد از شدت» و «رمانتیسم» صورت می‌گیرد. فرج بعد از شدت، از جمله آثاری است که از نظر داستانی و تعلیمی، مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته و مقاله‌هایی درباره آن به نگارش درآمده‌است؛ همانند: «تاریخ تألیف فرج بعد از شدت فارسی» از محمد قزوینی و مجتبی مینوی (یغما: ۱۳۳۳)، «ژانر و همناک: شگرف و شگفت در فرج بعد از شدت» از ابوالفضل حری (نقد ادبی: ۱۳۸۷)، «ریخت‌شناسی داستان‌های فرج بعد از شدت» از عصمت اسماعیلی و نیره نبی‌زاده (دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان: ۱۳۸۸)، «تحلیل عناصر داستانی الفرج البعد الشده» از علیرضا نبی‌لو و هاجر فتحی نجف آبادی (گوهر گویا: ۱۳۸۸)، «تحلیل ساختارهای غنایی ترجمه فرج بعد از شدت براساس دیدگاه‌های پراپ» از ناهید نصر آزادانی و محسن محمدی فشارکی (متن‌شناسی ادب فارسی: ۱۳۹۵).

درباره رمانتیسم نیز، تألیفات زیادی در قالب کتاب‌ها و مقاله‌ها انجام گرفته‌است. کتاب‌هایی همانند «سیر رمانتیسم در غرب» از مسعود جعفری، «رمانتیسم» از لیلیان فورست و... همچنین درباره بازتاب ویژگی‌های رمانتیک در آثار مربوط به ادبیات کلاسیک مقاله‌های زیادی به نگارش درآمده‌است؛ از قبیل: «نمودهای رمانتیسم در نفثه‌المصدور» از محسن بتلاب اکبرآبادی و محمدعلی خزانهدارلو (متن‌شناسی ادب فارسی: ۱۳۹۰)، «رمانتیسم و رگه‌های آن در تاریخ جهانگشای جوینی، نفثه‌المصدور و آثار بزرگ علوی» از سید محمد استوار نامقی (رشد آموزش زبان و ادبیات فارسی: ۱۳۹۴) و...

از آنجایی که مکتب رمانتیسم مربوط به قرن هیجدهم است، لذا بازتاب آن در ادبیات معاصر به‌ویژه در شعر بیشتر است. از این نظر، مقاله‌هایی که در زمینه تطبیق رمانتیسم اروپایی و غربی در ادبیات معاصر شده، بیش از سایر دوران است؛ همانند: «نقد و

تحلیل مشخصه‌های بارز رمانتیسزم در شعر محمدتقی بهار» از سید منصور جمالی و محمدرضا نشایی قایم (بهارستان: ۱۳۹۱)، «رمانتیسزم در شعر منوچهر آتشی» از یدالله نصراللهی و کلثوم خدادوست (بهارستان سخن: ۱۳۹۲)، «بن‌مایه‌های رمانتیک در شعر نیما» از مهدی شریفیان و اعظم سلیمانی ایرانشاهی (ادب غنایی: ۱۳۸۹) و... برخی از این تحقیق‌ها به صورت بررسی تطبیقی با برخی از شاعران ادبیات ملل دیگر است؛ همانند: «بررسی تطبیقی رمانتیسزم در اشعار سید قطب و نادر نادرپور» از یحیی معروف و فاروق نعمتی (ادبیات تطبیقی: ۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی مضامین مشترک رمانتیک در هشت کتاب سهراب سپهری و گزیده اشعار ویلیام وردزورث» از زهره رامین و محمدجواد بختیاری (پژوهش ادبیات معاصر جهان: ۱۳۹۱) و...

### مؤلفه‌های رمانتیسیمی و غنایی در داستان‌های فرج بعد از شدت

براساس مطالعه کتاب‌های تألیف شده در زمینه مکاتب ادبی، مکتب رمانتیسزم، دارای مؤلفه‌ها و ویژگی‌های خاصی است و بازتاب گسترده‌ای در ادبیات و هنر سایر ملت‌ها داشته و تأثیرات ویژه‌ای به جای گذاشته است. در این قسمت، به بررسی و نحوه بازتاب مؤلفه‌های جهانی رمانتیسزم در داستان‌های فرج بعد از شدت می‌پردازیم.

#### ۱- انعکاس غم و اندوه

رمانتیک‌ها، اغلب در پی آن هستند تا مسائل مربوط به جهان انسانی را به تصویر بکشند و در برابر مخاطبان ترسیم نمایند. از این رو، آنان علاوه بر خوشی‌ها، تصویرگر ناامیتمی‌ها نیز هستند و غم و اندوهی را که در زندگی برای انسان پیش می‌آید، نشان می‌دهند. همین امر، یکی از دلایل تقابل مکتب رمانتیسزم با کلاسیسم است. «کلاسیک‌ها بیشتر ایده‌آلیست هستند؛ یعنی در هنر می‌خواهند فقط زیبایی و خوبی را شرح و بیان کنند و حال آن‌که رومانتیک‌ها می‌کشند گذشته از زیبایی، زشتی و بدی را هم نشان دهند، چنان‌که «درام رومانتیک» اثری است که از ترکیب عظمت و نکبت، بزرگی و پستی، غم و شادی تشکیل شده است» (سیدحسینی، ۱۳۷۶: ۱۷۹).



در داستان‌های فرج بعد از شدت، دهستانی توانسته انعکاس دهنده دغدغه‌ها و مسائل فکری و روحی مردمان آن زمان باشد و با توجه به واقف بودن به زندگی و معیشت آنان، وقایع آن دوران را ترسیم نماید؛ لذا در این حکایات به انواع بلایا و سختی‌های مردم اشاره می‌نماید و راه‌هایی را برای آنان بیان می‌کند تا نوعی باور یقینی و ایمانی در آن‌ها ایجاد نماید و آن‌ها را به بهبود شرایط امیدوار گرداند که از بُعد روان‌شناسی حائز اهمیت است. بنابراین تازگی بارزی که در این کتاب دیده می‌شود، این است که برخلاف سایر آثار رمانتیک که صرفاً به وصف غم و اندوه حاصل از پیامدها و مصیبت‌ها می‌پردازند، این کتاب در کنار وصف این مسائل، راه‌های رهایی را در برابر انسان قرار می‌دهد. از این روست که اغلب حکایات و داستان‌های فرج بعد از شدت به خوشی و کامرانی ختم می‌شود. یکی از ویژگی‌های این کتاب که با فضای غم و اندوه ارتباط دارد و از آن برای گسترش معنای فرج و رهایی از غم بهره می‌برد، اشاره به داستان زندگی انبیا و پیامبران الهی همانند: حضرت آدم<sup>(ع)</sup> (ص ۲۷)، حضرت نوح<sup>(ع)</sup> (ص ۲۷)، حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> (ص ۲۷ و ۲۸)، حضرت یعقوب و یوسف<sup>(ع)</sup> (ص ۲۹)، حضرت یونس<sup>(ع)</sup> (ص ۲۹)، داستان حضرت موسی<sup>(ع)</sup> (ص ۲۹) و حضرت محمد<sup>(ص)</sup> (ص ۳۲) است که دچار سختی‌های طاقت‌فرسایی شدند، اما در نهایت، با تضرع و توکل، کارشان به گشایش و فرج انجامید. درحقیقت، نویسنده با آوردن داستان‌های زندگی انبیا به ویژه در آغاز کتاب، خواسته تا نشان دهد که غم و ناراحتی انبیا، که اغلب برای آزمون و ابتلای آنان بوده، روی به فرج نهاده‌است و برای انسان تلقین امیدواری نماید تا در صورت روی دادن مصائب سخت، با توکل و صبر بر مشکلات فائق می‌آیند و راه‌حل‌های گوناگون و سازنده‌ای برای از بین بردن و حل غم و ناراحتی همانند: صبر در برابر سختی‌ها که در اثر توکل حاصل می‌شود، بیان نموده‌است. از این رو در قسمت‌های مختلف کتاب به صبر و فوائد آن اشاره می‌نماید: «در موضعی که حیل مفید نباشد، صبر باید و از امثال سایر معروف و مشهور است (الصبر مفتاح الفرج) شکیبایی کلید گشایش است. (من صبر قدر) هر که صبر کند بر مراد قادر شود» (دهستانی، ۱۳۸۳: ۶۲). و اشعار زیادی درباره‌ی صبر بیان می‌نماید؛ همانند:

«به گاه حادثه هر چند سهم‌ناک بود اگر صبور نباشی تو از که صبر آید؟  
 اگر چه بسته شود کار ناامید مشو که آنکه بست همو زود بازگشاید  
 به صبر بوک و مگر شاد بادش و آه مکن مگر ز آینه سینه زنگ بزداید  
 به ذل و محنت کار تو آنکه بیشولید به عز و دولت بار دگر بیاراید»  
 (همان: ۷۲).

توصیه دیگری که نویسنده به انسان‌ها در برابر غم و اندوه حاصل از سختی‌ها می‌آموزد، تسلیم و رضا و حُسن ظن نسبت به خداوند متعال است: «و بعضی از نیک‌مردان چنین گفتند که در هر بلیت که باشی حسن ظن به باری - تعالی - در کشف آن بلیت به کار دار که نزدیک‌ترین فرج در بلیت، حسن ظن باشد» (همان: ۶۱).

«ز روزگار به شادی و رنج راضی باش چو گشته‌ای به به افتاد خویش نادان  
 اگر خلاف مردات کنی شوی رنجه و گر به کام تو گردد جهان مشو نادان  
 چو در حقیقت علم خدا نمی‌دانی که چیست موجب سود و کدام اصل زیان؟  
 به اختیار خدا کار خود حواله کن که جز رضا به قضا نیست درد را درمان»  
 (همان: ۵۷).

همان‌گونه که گفته شد، رهایی از مسائل و مشکلات با توسل به دعا، از توصیه‌های بسیار مهم نویسنده فرج بعد از شدت است که در بدترین شرایط محیطی و زندگی، کارگشاست. بنابراین از راه‌های رهایی از غم و درد حاصل از محیط و پیرامون، دعا و توسل به آن، بهترین راه است. در حکایتی که از زبان سعید بن عنبسه روایت می‌کند به این مسئله اشاره دارد:

«سعید بن عنبسه روایت کرد و گفت: روزی نشسته بودم و مردی با من نشسته بود و با سنگریزه بازی می‌کرد. ناگاه سنگریزه‌ای در گوشش افتاد و به بسیار کوشش از گوشش بیرون نتوانستند آورد و دردی الیم و محتئ عظیم به سبب آن بر وی رسید و از زحمت آن سنگ، بی‌سنگ شد و از درد گوش، بی‌هوش و مدت‌ها از آن محنت می‌کشید و ندای فرجی به گوشش نمی‌رسید تا روزی که رنج سخت بود و امید نجات سست و دل شکسته

و یقین به هلاک درست، ناگاه شنید که خواننده‌ای این آیت می‌خواند «أَمِنْ يُجِيبُ مُظْطَرَّ إِذَا دَعَا وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ». گفت: «خدایا مجیب تویی و مضطر من. اگر وقت آمد رحمت آر بر من» این سخن هنوز در گوش دهانش بود که آن سنگ بی‌کوشی از گوشش بیفتاد و آن در بسته بی‌گشاینده‌ای بگشاد و آن درد و کلفت بی‌دوایی زایل شد» (همان: ۳۶ - ۳۳).

امیدواری به گشایش، با توجه به داستان‌های فرج بعد از شدت، در جنبه‌ها و ابعاد مختلف قابل بررسی است که در ارتباط با مسائل پیش آمده، قابل بررسی است. این ابعاد را می‌توان به صورت زیر طبقه‌بندی نمود:

### ۱- ۱ غم و اندوه حاصل از بیماری

بیماری و دردهای ناشی از آن، همواره یکی از مصیبت‌هایی است که انسان را دچار پریشانی و غم می‌نماید؛ لذا انسان در مواجهه با آن، سعی در درمان و رهایی از دردهای آن دارد. با این وجود دهستانی به بیماری با نگاه مثبتی می‌نگرد: «در علل و بیماری نعمت‌هاست که نباید عاقل از آن غافل باشد و به مکامن و اسرار آن جاهل و از جمله پاک گردانیدن تن است از دنس گناه و متصدی گشتن در احراز ثواب صبر و بیداری او از غفلانی که از لوازم نعمت باشد و بیشتر مردمان مغرور گردند و یاد دادن نعمت صحت و شناخت قدر آن و باعث شدن بر توجه و تحریض نمودن بر صدقه و پس از آن که چندین فواید از بیماری حاصل آید، آنچه در قضا و قدر باری - تعالی - محکوم و مقدر باشد از موت و حیات خود نباشد» (همان: ۶۵).

دهستانی در حکایات کتابش، باب‌های مختلفی و در باب دهم به طور کامل به مسئله بیماری پرداخته است که در نهایت به شفا و درمان منجر شده است. در یکی از این حکایت که مربوط به حکایت دوم از باب دهم است، از جوانی سخن می‌گوید که به دست «محمد بن زکریا» شفا یافت. این داستان، درباره جوانی است که «هنوز در اول ریعان عمر بود و از بغداد به ری آمد و در راه علّتی او را حادث شد که خون بسیار از گلو برمی‌انداخت و بدین سبب او را زحمت و الم می‌رسید و ضعف توگد می‌کرد و چون به ری رسید، محمد بن

زکریا الرازی را که طیبی مشهور بود و در عهد او حاذق تر و ماهر تر از وی کسی نبود، بخواند و علتی را که بدان مبتلا بود با او شرح داد و صورت حادثه معاینه با او نمود. محمد بن زکریا دست بر نبض و مجسه او نهاد و قاروره و دلیل تأمل کرد و از مبادی حدوث علت تا به وقت سوال از کیفیت اعراض و احوال و ابتدا و انتهای آن پرسید و از آن جمله هیچ چیز دلالت نمی کرد» (همان: ۵۷۵). در ادامه از اندوهی که بر دل جوان آمد، سخن می گوید. اما در نهایت محمد بن زکریا با حذاقت دریافت که بیماری جوان به سبب شرب آب ناپاک بوده است. در داستان‌های دیگری نیز به مسئله بیماری اشاره شده است که عبارتند از: حکایتی از باب دوم (ص ۶۵)، حکایت نهم از باب سوم (ص ۸۳)، حکایت هشتم از باب پنجم (ص ۱۹۵)، حکایت شانزدهم از باب ششم (ص ۲۹۶)، حکایت پنجم از باب هشتم (ص ۵۰۲)، حکایت ششم از باب نهم (ص ۵۵۳) و حکایات باب دهم از حکایت اول تا حکایت هشتم (صص ۵۷۱-۵۸۸).

## ۱-۲. غم و اندوه حاصل از تهیدستی و فقر

تهیدستی و فقر، از جمله عواملی است که سبب آشفتگی روحی و اغتشاش در زندگی انسان می شود. فقر، یکی از مسائل مورد توجه دهستانی در فرج بعد از شدت است. نویسنده در حکایات و داستان‌های مختلفی به مسئله فقر پرداخته و انسان‌هایی را که دچار پریشانی حاصل از ناداری و فقر شده‌اند که در سایه توکل به خداوند، از آن رها شده‌اند. در باب هفتم به‌طور مستقل به انسان‌های گرفتار در فقر و درویشی پرداخته است. در این داستان‌ها گاهی نویسنده از فقری سخن می گوید که بر اثر اسراف در خرج‌های بی‌تکلف حاصل می شود اما در ادامه دوباره به اوضاع و احوال سابق برمی گردد؛ همانند حکایت بیست و چهارم این باب: «حکایت کرد عبدالله الصیرفی که در همسایگی من (به واسطه) جوانی بود که از پدر مالی وافر، میراث یافته بود و آنرا به شراب و قمار تلف کرده و به غایت درویش و مقل حال گشته» (همان: ۴۰۱).

یکی دیگر از داستان‌هایی که فقر و درویشی در آن‌ها با زمینه رمانتیک و عشق هم‌خوان است، حکایت سوم از باب سیزدهم که درباره عشق است، می باشد. این داستان،

روایت گر فقر و درویشی انسان‌هایی است که در اثر فقر ناچار به از هم گسستن پیوند حُب عاشقی می‌شوند. این حکایت، درباره جوان بغدادی است که عاشق کنیزك مغنیه می‌شود و پس از تحمل مرارت‌های زیاد به وصال می‌انجامد؛ اما پس از آن، به ناچار بر اثر فقر مجبور به فروش کنیزك محبوب به نخاس می‌شود: «چون برگ آتش نبود که برگ خویش از نوا سازد، مدتی بی‌برگ و نوا زندگانی می‌کرد و از شاخ امیدش برگی ظاهر نمی‌شد و از ارغنون آرزویش نوایی اصلی حاصل نمی‌آمد. کنیزك را با بی‌برگی او قوت صبر نماند و او را از نوای کنیزك امید سپری شد تا عاقبت بدان انجامید که کنیزك گفت: مصلحت آنست که مرا هرچند به جان خریدار توام بفروشی، باشد که من از سعادت مشتری بهره‌مند شوم و تو از نحوست زحل باز رهی و از بهای من زیب و بهائی یابی، ثروت خریدار مرا مزید ضجارت گردد و ثمن ترا سرمایه تجارت شود. آخر الامر به اضطرار مفارقت یکدیگر اختیار کردند و بر آنچه به ضرورت از هم جدا شوند و قرار دادند و روز دیگر کنیزك را به نخاس برد» (همان: ۷۱۱ - ۷۱۰). اما داستان طوری پیش می‌رود که دوباره عاشق به معشوق خود می‌رسد.

حکایات دیگری که در این کتاب به مسئله پریشانی حاصل از فقر و درویشی پرداخته‌اند و احساسات ناشی از این پریشانی به تصویر کشیده شده، عبارتند از: حکایت اول از باب سوم (ص ۶۹)، حکایت دهم از باب سوم (۸۲)، حکایت سی و پنجم از باب سوم (ص ۱۱۰)، حکایت چهارم از باب سوم (ص ۱۱۱)، حکایت اول از باب پنجم (ص ۱۶۶)، حکایت اول از باب پنجم (ص ۱۶۶)، حکایت سوم از باب ششم (ص ۲۶۱)، حکایت هژدهم از باب ششم (ص ۳۰۲)، حکایات مربوط به باب هفتم از باب اول تا باب چهل و هشتم (صص ۴۸۵ - ۳۰۵)، حکایت چهارم از باب سیزدهم (ص ۷۲۸).

### ۱-۳. غم و اندوه حاصل از مرگ

مرگ اندیشی و ترس از مرگ، یکی از ویژگی‌های اصلی رمانتیکی است که در داستان‌ها و کتاب‌های مختلف به آن پرداخته شده‌است؛ چراکه مرگ یکی از عواملی است که سبب ایجاد غم و پریشانی در ذهن و روان انسان می‌شود. دهستانی، به مسئله مرگ

به‌عنوان امری که همواره انسان در چنگال آن اسیر است، نگاه می‌کند و در تذکر به پادشاهان به این مسئله اشاره می‌نماید: «اگرچه کسی پادشاه بزرگ و خلیفه روی زمین باشد، باید که در هیچ حال از اجل غافل نباشد و از مرگ ایمن نبود (اکثر و اذکر هادم اللذات) را کار فرماید و (أیّما تَکونوا یُدِرِکُکُمُ الموتُ و لَو کُنْتُمْ فی بُروجٍ مَشِیدةٍ) را فراموش نکند و یقین داند که هم‌چنان که او در طلب لذات زندگانی است، مرگ در طلب اوست و در حصول مطلوب او شک است. اما آنکه طالب به همه حال مدرک خواهد بود، هیچ شک نیست» (همان: ۱۹۸).

در داستان‌هایی که در فرج بعد از شدت، مسئله مرگ بیان شده، سرنوشت و ماجرای انسان‌هایی را به تصویر می‌کشد که دچار حادثه‌ای شده‌اند که منجر به قتل آنان خواهد شد؛ از این رو، دچار پریشانی و اندوه می‌شوند. اما دهستانی در ادامه این حکایات، حتی رهایی از مرگ را نیز با توکل و استمداد از خداوند و نیز در برخی از آن‌ها با زیرکی و هوشیاری ممکن می‌داند. در داستان‌های مختلف از باب‌های گوناگون به این مسئله می‌پردازد و در باب هشتم به‌طور مستقل به آن می‌پردازد. به عنوان نمونه حکایت چهارم از باب هشتم که درباره یکی از پادشاهان عجم به خوان‌سالار خود است که با سیاست و تدبیر درست از مرگ رهایی یافت. داستان درباره خوان‌سالار پادشاهی است که برای پادشاه غذا می‌آورده و ناخواسته قطره‌ای از آن بر جامه پادشاه می‌ریزد و همین امر سبب خشم پادشاه و صدور فرمان قتل او می‌شود و هرچه آن شخص بر پادشاه مبنی بر عفو و گذشت اصرار می‌کند، سودی ندارد تا اینکه «آن خوان‌سالار چون از عفو و تجاوز نومید شد و به هلاک و بوار متیقن گشت، آن کاسه شوربا بر گرفت و تمامت بر سر ملک ریخت و گفت: نخواستم که در جهان شایع و مستفیض شود که پادشاه به ظلم یکی را از مقربان خویش هلاک گردانید، بر چنین جنایتی اقدام نمودم تا مستحق قتل گردم و چون این حکم بر من نافذ شود پادشاه را بدنامی نباشد و به ظلم منسوب نگردانند. اکنون حکمی که فرموده‌ای به امضا رسان» (همان: ۵۳۶). همین سخن سبب رهایی و عفو پادشاه نسبت به او شد.

در حکایات دیگری از فرج بعد از شدت به مسئله مرگ و پریشانی و درماندگی حاصل از آن و نحوه رهایی از آن اشاره شده است؛ همانند: حکایت پنجم از باب دوم (ص ۵۰)، حکایت هفتم از باب سوم (ص ۷۵)، حکایت بیست و دوم از باب سوم (ص ۹۸)، حکایت بیست و سوم از باب سوم (ص ۹۹)، حکایت بیست و چهارم از باب سوم (ص ۹۹)، حکایت بیست و پنجم از باب سوم (ص ۱۰۱)، حکایت سی و سوم از باب سوم (ص ۱۰۶)، حکایت دوم از باب چهارم (ص ۱۱۸)، حکایت نوزدهم از باب چهارم (ص ۱۶۱)، حکایت چهارم از باب پنجم (ص ۱۷۵)، حکایت سیزدهم از باب پنجم (ص ۵)، حکایت بیستم از باب پنجم (ص ۲۳۶)، حکایات مربوط به باب هشتم از باب اول تا باب پانزدهم (صص ۵۳۷ - ۴۹۲)، حکایت اول از باب نهم (ص ۵۴۰)، حکایت سوم از باب نهم (ص ۵۴۴)، حکایت پنجم از باب نهم (ص ۵۵۲)، حکایت ششم از باب هشتم (ص ۵۵۳)، حکایت هشتم از باب نهم (ص ۵۵۷)، حکایت دوازدهم از باب نهم (ص ۵۶۹)، حکایت ششم از باب یازدهم (ص ۶۰۸)، حکایت هشتم از باب دوازدهم (ص ۶۶۹).

#### ۱- ۴. غم و اندوه حاصل از زندان و اسارت

زندانی شدن و حبس همواره یکی از مهم‌ترین مسائلی است که ذهن انسان را دچار غم و اندوه می‌نماید. سروده‌های شاعران از زندان‌های سرد و تاریک، سبب پیدایش نوع ادبی شد که به آن «حبسیه یا حبسیات» می‌گویند. در این گونه اشعار، شاعر، تصویرگر ناله و فریاد انسان گرفتار در میله‌ها و سیاه چاله‌های تاریک زندان است. در حقیقت، حبسیه شعری است که در آن شاعر ترسیم‌کننده ناراحتی‌های جسمی و روحی انسان در بند است. اشعار حبسیه یا اشعار زندان، همان نغمه‌های موزون نیمه موزون اما غم‌آلود و تندرآسای اسیران قفس است که از نهیب دوست‌نمایان قسی‌القلب، صدایشان در گلو می‌شکند و گه‌گاه با چشمی گریان و دستانی لرزان، دزدانه در پی کاغذ پاره‌هایی می‌گردند که سوز دل خویش را به بیرون از زندان هدایت کنند؛ اما در این میان شاعرانی هستند که حتی امکان نوشتن با کاغذ پاره‌ها هم برایشان میسر نبود، بلکه با لبان دوخته و دل سوخته،

نال‌های دردآلود و فریادهای تضرع‌آمیز را با انگشتان خویش بر دیوار زندان نقاشی کرده‌اند.

در فرج بعد از شدت، یکی از مسائلی که ذهن شخصیت‌های داستانی را دچار پریشانی و اندوه نموده، اسارت و حبس است که در اثر شکنجه‌های زندان حاصل می‌شود. در این داستان‌ها، دهستانی، راوی داستان اشخاصی است که با صبر و توکل از زندان‌هایی یافته‌اند که برخی به سبب شفاعت اطرافیان و برخی به سبب لطف خداوندی بوده‌است. در باب‌های مختلف، به داستان‌های مربوط به حبس، سخن گفته و راه‌هایی از زندان را ترسیم نموده و امید به رهایی را در دل زندانی زنده نگه داشته و در باب پنجم، به طور جداگانه‌ای به این مسئله پرداخته‌است. به عنوان نمونه در حکایت هشتم از باب پنجم که مربوط به سلیمان بن وهب است که با جمعی اسیر شد و به شفاعت ابی داود خلاصی یافت، چنین آمده: «گفتم: یا امیرالمومنین محمد بن عبدالملک بسیار مردان بزرگ را از کتاب و عمل و متصرفان و اهل دواوین معزول کرده و محبوس گردانید و زیادت چیزی از مصادره ایشان حاصل نشده‌است و ایشان خلقی بسیارند و چندین هزار دست از اتباع و اشیاع خویشان و متعلقان و دوستان ایشان به خدا برداشته‌اند و بر تو دعای بد می‌کنند، بفرمای تا ایشان را اطلاق کنند تا آن دست‌ها که به دعای بد برداشته‌اند، به دعای خیر بدارند و از حق تعالی بقای امیرالمومنین خواهند؛ باشد که خدای عافیت بخشد و صحت ارزانی دارد و... . گفت: نیکو گفتم، از زبان من بنویس تا ایشان را اطلاق کند» (دهستانی، ۱۳۸۳: ۱۹۵).

حکایت دیگری که درباره زندان و اسارت و رنج حاصل آن است، عبارتند از: حکایت سوم از باب سوم (ص ۷۱)، حکایت پنجم از باب سوم (ص ۷۴)، حکایت هشتم از باب سوم (ص ۷۶)، حکایت دوازدهم از باب سوم (ص ۸۸)، حکایت بیستم از باب سوم (ص ۹۶)، حکایت بیست و یکم از باب سوم (ص ۹۷)، حکایت سی و یکم از باب سوم (ص ۱۰۳)، حکایت سی و هفت از باب سوم (ص ۱۰۹)، حکایت چهارم از باب چهارم (ص ۱۲۰)، حکایت نهم از باب چهارم (ص ۱۲۷)، حکایات اول تا بیست و هشتم از باب



پنجم (صص ۱۶۷ - ۲۵۶)، حکایت چهارم از باب ششم (ص ۲۶۳)، حکایت هشتم از باب ششم (ص ۲۷۸)، حکایت اول از باب هشتم (ص ۴۹۲).

## ۲- فردیت و فردگرایی

رمانتیک‌ها معتقدند که اثر رمانتیک، شرحی از شکل‌گیری روح نویسنده در متن است که با توالی منطقی علی و معلولی داستان، من فردی‌اش را نشان می‌دهد. «در این تلقی نویسنده یا هنرمند در متن، جنبه مرکزی دارد و متن، حول شخصیت نویسنده شکل می‌گیرد و فردیت و ذهن‌گرایی است که معنای متن را شکل می‌دهد» (بتلاب اکبرآبادی و خزانه‌دارلو، ۱۳۹۰: ۵۱).

فردگرایی و فردیت، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رمانتیک‌هاست که آن‌را در برابر کل‌گرایی کلاسیک‌ها قرار دادند. البته پیش از رمانتیک‌ها نیز فردگرایی وجود داشته، اما در اندیشه رمانتیک‌ها به گونه‌ای انسان‌مدارانه شکل می‌گیرد و در خدمت اندیشه‌های انسانی قرار می‌گیرد. «هنرمند رمانتیک به دنبال آزادی از قید کلاسیک، فرمانروایی «من» (Le moi) را در هنر مستقل می‌سازد و به وسیله‌ی هنر، خواهش‌های دل و رنج‌های روح خود را بیان می‌دارد؛ ولی این روش هنرمند رمانتیک را نباید دلیل خودستایی او و فرار از بشریت دانست» (سیدحسینی، ۱۳۷۶: ۱۸۰). اساس و پایه رمانتیک بر همین پایه فردیت شکل گرفت. «در مکتب رمانتیک حضور فردیت و غیبت مدل‌واره‌ها و گفتمان‌های غالب اجتماعی آشکارتر بود و اساساً مکتب رمانتیک، با تکیه بر همین تفرد پا گرفت» (تسلیمی، ۱۳۹۰: ۱۶).

در فرج بعد از شدت، تنوخی، ضمن توصیف اندوه و غم‌های شخصیت‌های داستانی، هم‌ذات‌پنداری درونی با رنج‌ها و خواهش‌های آنان دارد که به نوعی آرزوها و تمایلات درونی خود نویسنده است. تنوخی از این حکایات به خواسته‌های خود نقب می‌زند و «من» شخصی‌اش را با شخصیت‌های داستانی پیوند می‌زند. او با بهره‌گیری از حکایات و روایات تاریخی که در درون مایه‌های مختلف ترسیم نموده‌است، ذهنیت شخصی و فردی‌اش را که هم جنبه شخصی و هم جنبه اجتماعی دارد، نشان داده است. «قاضی تنوخی در این داستان‌ها، جزئیات دوره‌ی زوال خلافت عباسی را برای ما به خوبی هرچه تمام‌تر مجسم

می‌سازد و درواقع، خصوصیات اجتماعی زمان خود را که لبریز از کینه، حسادت و نمک‌ناشناسی است، نقاشی می‌کند» (حاکمی، ۱۳۷۲: ۹۲).

در کتاب فرج بعد از شدت، راوی داستان، خود نویسنده است که با بهره‌گیری از کنش و اعمال شخصیت‌ها، درون مایه‌های داستانی‌اش را در یک چارچوب اصلی که جنبه اخلاقی و مذهبی دارد، گسترش می‌دهد و بعد از هر حکایت، نتیجه‌گیری به عنوان فصل یا فصل‌ها بیان می‌کند که همین فصل‌ها مبین ذهنیت‌گرایی و فردگرایی نویسنده است تا از این طریق، اندیشه مورد نظر را با توسل به داستان بیان نماید و خود در هر فصل با بیان این مطلب که در این حکایت فایده آن است، اندیشه خود را متناسب با متن و درون مایه اصلی هرباب، مطرح می‌کند.

### ۳- عشق

عشق و پرداختن به امور عاشقانه، مهم‌ترین و اصلی‌ترین ویژگی شعرهای رمانتیک است و با شنیدن نام رمانتیک، اولین واژه‌ای که به ذهن انسان متبادر می‌شود، عشق است؛ اما باید در نظر داشت که عشق، یکی از اصول و ابعاد مکتب رمانتیک است. «هرچند عشق در بعضی مواقع سوژه‌ی هنر رمانتیک بوده است، مکتب رمانتیسیم، برخلاف آنچه تصور می‌شود ارتباط چندانی با اموری که به طور متداول رمانتیک نامیده می‌شود، ندارد؛ بلکه یک جنبش هنری و فلسفی بین‌المللی است که به بیان روش‌های اصلی و اصولی طرز تفکر مردم غرب، درباره‌ی خود و جهان اطرافشان می‌پردازد» (کمالی بانیانی، ۱۳۸۹: ۱۴۳۶). رمانتیک‌ها، معتقد بودند که ادبیات، نباید عشق و علاقه و احساسات عاطفی را محدود سازد. آن‌ها در پی آن بودند تا همه چیز را توصیف نمایند. از زیبایی گرفته تا زشتی، از بدی تا خوبی و... و آن‌چه در نظر آنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، عشق بود. به همین دلیل رمانتیسیم بی‌تردید شعر عشق و احساسات است.

عشق و ماجراهای عاشقانه، از دیرباز در ادبیات فارسی بازتاب گسترده‌ای داشته و در متون و دیوان‌های مختلف نویسندگان و شاعران، تصویر شده است. در این نوشته‌ها جنبه‌های مختلف عشق اعم از: شادی وصال، غم فراق، سوز و گدازهای عاشقانه، ایشار و

گذشت عاشقانه، پایداری و وفاداری در عشق نشان داده شده است. «عشق که یکی از محوری‌ترین موضوعات مکتب رمانتیسم است، شکل ایرانی و شرقی آن، با نوع غربی آن تفاوت ماهوی دارد. هرچند که خود غربیان فرهنگ و ادبیات شرق و ایران را از جهتی یکی از منابع و آبخورهای کهن رمانتیسم دانسته‌اند» (خاکپور و اکرمی، ۱۳۸۹: ۲۲۹).

در فرج بعد از شدت، در حکایات و داستان‌های مختلف، به عشق و ماجراهای عاشقانه پرداخته شده است که در اثر آن، عاشق شیفته و دلداده معشوق است و برای رسیدن به او دچار پریشانی و آشفتگی می‌شود و در نهایت با وساطت دیگران به وصال می‌انجامد. آنچه در داستان‌های عاشقانه و رمانتیک فرج بعد از شدت نمایان می‌شود، وصال و رسیدن عاشق به معشوق است که در آن به دلیل همسانی داستان با درون مایه اصلی کتاب است که رنج و مشقت حاصل از عشق و دوری، به گشایش وصال می‌انجامد؛ همانند امور صعب دیگری که در این کتاب مطرح می‌شود. دهستانی، باب سیزدهم را به‌طور مجزا به مسئله عشق و دلدادگی پرداخته و حکایات بسیاری را در این زمینه روایت کرده است که اغلب جنبه غنایی دارند و نویسنده از طریق بیان آن‌ها، مفاهیم اخلاقی همانند: صبر و توکل، ایثار و از خودگذشتگی، رابطه نیک و حسنه امور درباری و حکومتی با مردم عادی و... را بیان می‌کند. در این داستان‌ها، عشق معنای مجازی و متداولی را دارد که به زن زیباروی یا کنیزک بوده است. آنچه در این داستان‌ها بیش از پیش نظر خوانندگان را جلب می‌نماید و یکی از ویژگی‌های رمانتیکی این کتاب است، توجه خلیفه به حل مسائل و گرفتاری‌های میان عاشقان است. «برخلاف داستان‌های غیرعاشقانه فرج بعد از شدت که بیشتر مواقع تأثیر دعا یا بخشش از طرف شخص صاحب مقام نمود می‌یابد، نمونه‌های عاشقانه این کتاب بدون دخالت داشتن نیروهای غیبی و تنها با بخشش و کرامت اخلاق و تسلیم شدن در برابر سرنوشت و صبر و مدارا به پایان و نتیجه خود دست می‌یابد» (نصرآزادانی و محمّدی فشارکی، ۱۳۹۵: ۷۶).

یکی از حکایت‌های معروف این باب حکایت اشتر و جیداست که در آن جوانی به نام بشر بن عبدالله معروف به اشتر، عاشق دختری به نام جیدا می‌شود که او شوهر داشت. در

ادامه، از عشق و بی‌تابی این دو شخص سخن می‌گوید و توصیفاتی ارائه می‌دهد که در نهایت راز عشق آنان برملا شد و از این امر پدر جیدا و اهل قبیله او آشفته شدند و کار را بر اشتر سخت کردند. بعد از آن مانع ملاقات این دو شخص شدند. راوی این داستان، نمیر بن قحیف الهلالی است. او درباره دلدادگی و آشفته‌گی اشتر چنین می‌گوید: «بعد از آنکه از غایت شیدایی و شکیبایی را امکان نماند و از نهایت رنجوری، صبوری مستحیل شد، اشتر به نزدیک من درآمد و گفت: ای فلان بیش از این مراقوت کشش بار هجران و طاقت عنای فراق، ناممکن است؛ عاشق صادق آن باشد که از بیم جان ترک وصال جانان نکند و از خوف سر، پای از کوی دوست بازنگیرد، با من موافقت نمای تا به قبیله جیدا رویم، اگر نظری بر جمال او اندازم و جان دربازم، می‌شاید» (دهستانی، ۱۳۸۳: ۷۶۴). حکایت ادامه می‌یابد تا به پیشنهاد این دو دلداده، نمیر به جای جیدا به خانه رود (همان: ۷۶۸-۷۶۹).

ماجراهای عاشقانه در ترجمه فرج بعد از شدت بسامد بالایی دارد و اغلب با توصیفات هنری و تخیلی همراه هستند و این به خاطر رمانتیکی بودن داستان‌هاست. حکایاتی که در این کتاب درباره عشق و دلدادگی هستند، عبارتند از: حکایتی از باب دوم (ص ۵۱)، حکایت هیجدهم از باب پنجم (ص ۲۳۰)، حکایت هشتم از باب هشتم (ص ۳۲۷)، حکایات مربوط به باب سیزدهم از حکایت اول تا حکایت دوازدهم (صص ۸۰۴ - ۶۹۲). حکایت بیست و هشتم از باب سوم (ص ۱۰۲)، حکایت اول از باب ششم (ص ۲۵۶).

آنچه متناسب با مؤلفه عشق در داستان‌های فرج بعد از شدت، در این قسمت از پژوهش، قابل بررسی نقش و تصویر زن با تمام خصوصیات روحی و عاطفی، ظاهری و باطنی است که در این کتاب مشاهده می‌شود. زنانی که در این داستان‌ها توصیف شده‌اند، در قالب شخصیت‌هایی همانند: کنیزک، دختر بکر، عجزه، کنیزک مغنیه، کنیزک سیاه، معشوقه‌ای همانند جیدا، زن عاقل و دارای قوه درک و شعور، زن علوی و... است که نویسنده در برخورد با این زنان در متن، زیباترین وصف‌های مخیل را تصویر کرده‌است. بنابراین می‌توان گفت حضور شخصیت‌های زن در داستان، بار رمانتیکی و عاطفی ویژه‌ای به داستان بخشیده‌است.

#### ۴- تخیل

تخیل ویژگی بارز مکتب رمانتیک است؛ زیرا شاعران رمانتیک در پی بیان عواطف و احساسات درونی و عاطفی خود هستند. به همین دلیل، از خیال‌پردازی‌های غیرواقعی بهره می‌گیرند. «آنچه رمانتیک‌ها با آن می‌نگرند، چشم تخیل است که به آنان امکان می‌دهد تا در آن سوی سطح ظاهری، آرمان‌ها را مشاهده کنند. آن‌ها از شکاف و فاصله‌ی میان جهان ناپایدار و متعارف نموده‌ها و ساحت سرمدی و نامتناهی حقیقت و زیبایی مثالی عمیقاً آگاهند و می‌دانند که درک این ساحت تعالی از طریق تخیل ممکن می‌شود» (فورست، ۱۳۷۵: ۶۴).

رمانتیک‌ها برای آفرینش تصاویر شعری خود عمدتاً از تخیل‌های فانتزی و فراواقعی بهره می‌بردند و برای نشان دادن قدرت هنرمندی خود، تخیل و خیال‌پردازی را بر بیان واقعیت و حقیقت ترجیح می‌دادند. «هنرمند رمانتیک تخیل و امید و آرزو را جانشین حقیقت می‌سازد و پیش از تقلید، پابند تصور است. هنر خود را با مبالغه می‌آمیزد، یعنی آنچه که هست نمی‌گوید؛ بلکه از آنچه که باید باشد بحث می‌کند. او از طریق کاوش در ذهن خود به دنبال ناشناخته‌هاست» (ثروت، ۱۳۸۵: ۸۸).

تخیل باعث شکل‌گیری و سازمان‌یافتن یک اثر ادبی می‌شود؛ زیرا هنرمند در پی آن است تا سخن خویش را به بهترین و زیباترین صورت بیان کند و در این میان در آفرینش تصویرهای شعر خود، ابداع‌ها و نوآوری‌هایی ایجاد می‌کند. در این میان، آنچه به شاعر کمک می‌کند تا تصاویر زیبا و تازه خلق کند و بتواند در ارتباط با همه عناصر شعر به خلق تصاویر جدید پردازد، بهره‌گیری از قدرت تخیل است. اما باید در نظر داشت که پرداختن به تخیل و خیال‌پردازی‌های جدید و شگفت‌ناپذیر سبب به هم‌ریختن عاطفه و احساس موجود در شعر شود و در نتیجه، شاعر نتواند معنی مورد نظر خویش را بیان کند. «ارزش تخیل در بار عاطفی آن است، تخیلی که مجرد باشد هرچه زیبا باشد، تا از بار عاطفی برخوردار نشود، ابدیت نمی‌یابد» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۵۴).

درباره تخیل تعاریف زیادی ارائه شده است؛ اما ویژگی بارز این تعاریف، این است که آن‌ها برای نشان‌دادن و تصویرگری بهتر واقعیت، معنا کرده‌اند. ساده‌ترین تعریف تخیل

این است: توانایی شخص در به وجود آوردن تصاویری که فارغ از چگونگی و وضعیت، نمی‌توانند واقعی باشند؛ زیرا انسان متخیل می‌خواهد ترکیب و ساختار واقعیت را تغییر دهد، بنابراین در امر متخیل سه عنصر اساسی وجود دارد: انسان، واقعیت، تصویر.

رمانتیک‌ها در پی آن هستند تا از کلی‌گرایی و عقل‌گرایی کلاسیک فاصله بگیرند و به سمت احساسات و فضای عاطفی و تخیلی روی بیاورند. «در عصر رمانتیسیم در کنار احساس، نیروی تخیل، هم‌ابزاری است که به رشد اخلاق کمک می‌کند. در این دوره، شعر و عشق نیز با تخیل پیوند دارد. قوت این تخیل و عشق در برخی از رمانتیک‌ها، به حدی است که آن‌ها را با قلمروهایی فراتر از روابط انسانی، همچون نیروهای طبیعت و کل هستی، پیوند می‌دهد» (جعفری‌جزی، ۱۳۷۶: ۲۰۷).

با توجه به فضای سیاسی و ادبی قرن ششم که دوره‌ای است که در آن شیوایی و روایی سخن با بهره‌گیری از ویژگی‌های زبانی و تصویری یکی از امتیازهای نویسندگی و شاعری است، تنوخی نیز با بهره‌گیری از شیوه‌های تصویرگری و مخیل، داستان‌هایش را بیان می‌کند و در برخی از داستان‌ها، از زبان هنرمندانه بهره می‌برد و با استفاده از تشبیه‌ها و استعاره‌ها، داستان‌هایش را می‌پروارند. «نثر کتاب ساده و روان و خالی از تکلف است، تنها تشبیهات و توصیفات، تا حدودی رنگ نثر مصنوع و مسجع می‌یابد» (حاکمی، ۱۳۷۲: ۹۳).

فرج بعد از شدت، یک اثر اخلاقی - تعلیمی است که در صدد ارائه راهکارهای مناسب‌رهایی از مشقت و سختی با توکل به خداوند است؛ اما نویسنده این کتاب در برخی از داستان‌هایش با توصیفات خیالی و هنری، سعی می‌کند تا متن کتابش را به ادبی و هنری بودن نزدیک نماید؛ لذا در هنگام توصیفات به‌ویژه در توصیف از معشوقان و زنان مطرح‌شده در قسمت بالا، فرصتی برای اوست تا هنر نویسندگی و مخیل خود را نشان دهد. او در این توصیفات، با بهره‌گیری از عناصر بلاغی فارسی همانند: استعاره، تشبیه، کنایه، تمثیل، سجع و موازنه و... تصاویر مخیل و زیبایی می‌آفریند؛ همانند: قیر موی، لالی اشک و... در واقع، نویسنده تصاویر تخیل‌آمیز را در خدمت اندیشه‌هایش می‌گیرد و در ادامه داستان و برای بیان اندیشه‌ها و تفکراتش و در عین حال متناسب با درونمایه اصلی حکایت،

بازگو می‌کند و این تصاویر اغلب در جایی است که در توصیف چیزی باشد و بیشتر در جهت اقنای مخاطب و تأثیرگذاری و ممانعت از دل زدگی او از ادامه دادن داستان صورت می‌گیرد. به‌ویژه در مواقعی که با شخصیت زن روبه‌رو هستیم. همان توصیف رمانتیک از زیبایی و جلوه معشوقی زن می‌نماید که در ادبیات سابقه دیرینه دارد؛ همانند: خط و خال، زلف بلند، روی سپید، قامت سروگون و... که در نوشته‌های تنوخی اغلب، زن به عنوان موجودی لطیف و زیباست که به عنوان یکی از مظاهر زیبایی جهان توصیف می‌شود. او همواره نگاهی دو سویه به زن دارد. از نظر او هم مظهر عشق و دلدادگی بود و هم خصلت‌های منفی و مخرب همچون فتنه‌انگیزی، بی‌وفایی و کوتاه‌فکری به او نسبت داده‌شد. فرج بعد از شدت به عنوان اثری تعلیمی - حکمی، ما را با نقش و جایگاه زن در جامعه دیرین آشنا می‌کند.

به عنوان نمونه در یکی از حکایت‌های باب اول در وصف زنی چنین می‌گوید: «و زنی دیدم در غایت جمال و نهایت کمال، از ماه درست منیرتر و از آفتاب درخشان بی‌نظیرتر، صباحتی که یوسف در مصر جمال او عزیز نمودی و ملاحظتی که لیلی اگر نظر بر وی افتادی مجنون گشتی، و نرد حسن اگر با عذار باختی، عذرا بردی و با او عذار خود را وامق شمردی. از کمال خوبی او عجب بماندم «ما هذا بشراً إنَّ هذا إلهاً ملکاً کریم» ای که در دلبری از پری زیباتر پری از دیده مخفی باشد تو چنین ظاهر چرا شده‌ای و ای آفتاب نورانی تو بر آسمان زینده‌تری بر زمین چه می‌کنی و ای حور بهشت‌آرای تو را در فردوس وعده داده‌اند، اینجا چون افتاده‌ای؟ چنانکه می‌گوییم:

ای حور ز فردوس برین آمده‌ای      یا ترک خطائی که ز چین آمده‌ای  
چون ماه ز آسمان فروافتادی      یا چون پری از زیر زمین آمده‌ای؟  
از آن پسته تنگ شکرریزی آغاز نهاد و از آن درج لعل درفشان گشت» (دهستانی، ۱۳۹۳: ۳۵).

حکایاتی که در بردارنده تخیل‌های هنری و ادبی هستند؛ عبارتند از: حکایتی از باب اول (ص ۵۰) در توصیف ابر، حکایت هفتم از باب سوم (ص ۷۵)، حکایت بیست و پنجم از باب سوم (ص ۱۰۱)، حکایت سی و پنجم از باب سوم (ص ۱۰۸)، حکایت دوم از باب

چهارم (ص ۱۱۸)، حکایت پنجم از باب پنجم (ص ۱۷۹)، حکایت بیست و یکم از باب پنجم (ص ۲۳۹)، حکایت سی و هشتم از باب هفتم (ص ۴۴۴)، حکایت چهلم از باب هفتم (ص ۴۵۰)، حکایت چهل و دوم از باب هفتم (ص ۴۵۹)، حکایت چهل و ششم از باب هفتم (ص ۵۷۶)، حکایت هفتم از باب هشتم (ص ۵۰۷)، حکایت هشتم از باب هشتم (ص ۵۱۴)، حکایت دوم از باب نهم (ص ۵۴۲)، حکایت سوم از باب سیزدهم (ص ۷۰۷)، حکایت چهارم از باب سیزدهم (ص ۷۲۸)، حکایت پنجم از باب سیزدهم (ص ۷۳۳)، حکایت ششم از باب سیزدهم (ص ۷۴۸)، حکایت هفتم از باب سیزدهم (ص ۷۵۳)، حکایت دهم از باب سیزدهم (ص ۷۹۲).

## ۵- قهرمان گرایی

قهرمان گرایی و یافتن نمونه برتر انسانی که به دلیل داشتن برخی از خصائل روحی و جسمی از سایر افراد برتری داشته باشد، یکی از ویژگی‌ها و مسائل عمده ادبیات هر ملتی به شمار می‌رود؛ زیرا قهرمانان، سمبلی از فرهنگ و اندیشه ملی به شمار می‌روند. در داستان‌های رمانتیک، قهرمان گرایی و نشان دادن ویژگی‌های منحصر به فرد او، یکی از مشخصه‌های مهم است. «قهرمان رمانتیک یکی از پدیده‌هایی است از دل فرد گرایی و گرایش‌های متناقض اجتماعی و فردی رمانتیک‌ها سر برآورده است. قهرمان رمانتیک فردی است که دغدغه‌های فردی خود را با «روح عصر» درهم آمیخته است و مظهر امید دوران برای رهایی از وضع موجود و رسیدن به وضع آرمانی محسوب می‌شود» (جعفری جزی، ۱۳۷۶: ۱۹۳).

در حکایات و داستان‌های فرج بعد از شدت، قهرمان داستان، در خدمت درون مایه و محتوای داستان است؛ به گونه‌ای که برای پروردن درون مایه اصلی، به کار می‌رود. در داستان‌های این کتاب، قهرمان‌ها به چند صورت نشان داده شده‌اند که برخی از آنان کسانی هستند که با توکل و توسل به خدا در مشکلاتی که دیگران از برآوردن آن ناتوان بوده‌اند، با موفقیت گذر کرده‌اند و سبب بهت و حیرت اطرافیان شده‌اند. همانند: حکایت بیستم از باب سوم که درباره شخصی است که در زندان اسیر است و با دعا و مناجات رها می‌شود و



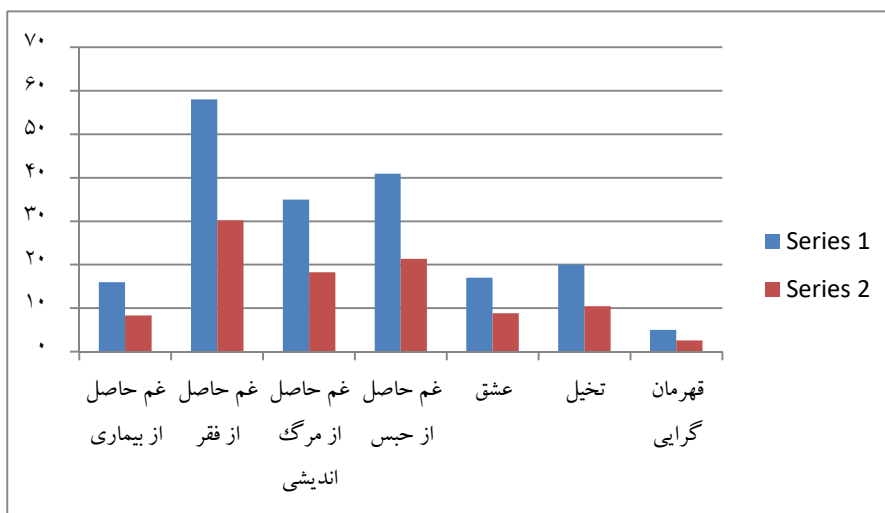
سبب تحیر زندانیان می‌شود (دهستانی، ۱۳۹۳: ۹۷). برخی از قهرمانان این داستان، برگرفته از تاریخ هستند که در اذهان مردم به صفت یا ویژگی منحصر به فردی متمایز گشته‌اند؛ همانند: «معن با زائده» که در نزد اعراب به سخاوت و بخشندگی زبان‌زد است. همانند حکایت دوم از باب سوم که درباره اوست (همان: ۱۷۳). برخی از قهرمانان داستان‌ها را، پادشاهان و عمال حکومتی و ولایتی تشکیل می‌دهند که نویسنده از این طریق می‌خواسته نوعی از قهرمان برای پیش‌برد اندیشه مورد نظر خویش بهره‌برد که ویژگی‌هایی را که یک پادشاه یا والی سرزمین باید داشته باشد، به آن‌ها گوشزد می‌نماید. همانند: حکایت یازدهم از باب هفتم که قهرمان داستان «معتضد» است (همان: ۳۵۰)، برخی از قهرمان داستان را نیز عاشقان و دلدادگان تشکیل می‌دهند که این قهرمان یا خود عاشق است که برای رسیدن به معشوق ایثار جانی و مالی می‌نماید که در حکایت اول از باب سیزدهم (همان: ۶۹۳) یا اشخاصی هستند که به‌سان یک قهرمان، عامل وصال دلدادگان می‌شوند.

## نتیجه‌گیری

ویژگی‌های رمانتیک در فرج بعد از شدت، همانند: عشق، قهرمان‌گرایی، سیر و سیاحت، غم و اندوه و تخیل برای ترویج مسائل اخلاقی و اعتقادی است که با بهره‌گیری از متن ادبی و روایت‌ها و حکایت‌های مذهبی، اصول اخلاقی همانند: صبر، توکل، دعا، امید به فرج و گشایش، تکریم و احترام و... را نشان می‌دهد. در این میان، نویسنده با تصویرگری و توصیفات خیال‌انگیز، حکایات را به سمت بیان هنری می‌کشاند. درحقیقت می‌توان گفت، رمانتیک و ویژگی‌های رمانتیکی را در خدمت بیان اخلاق و امور مربوط به اخلاقیات گرفته که با توجه به فضای سیاسی و عقیدتی آن دوره، با روایت‌های دینی بیان نموده است. دهستانی قصد دارد به نوعی نشان دهنده روزگار خویش با زبان و بیان هنری باشد و با حفظ جنبه‌های اعتقادی و درونی، راه‌های گریز از حوادث و سختی‌ها را به انسان‌ها نشان دهد که با توکل و امید، گشایش حاصل می‌شود. با بررسی و تحلیل عناصر و مؤلفه‌های رمانتیکی معلوم شد که ویژگی‌هایی همانند «تخیل و قهرمان‌گرایی» در خدمت درون‌مایه اصلی داستان یعنی «رهایی از سختی‌ها در سایه توکل به خداوند» است و روایت داستان را هنری‌تر می‌گردانند. در جدول و نمودار زیر به صورت نموداری کارکرد مؤلفه‌های رمانتیکی را در حکایات نمایش می‌دهیم.

مؤلفه‌های رماتیکی در داستان‌های فرج بعد از شدت

۱۶	غم حاصل از بیماری	۱
۵۸	غم حاصل از فقر	۲
۳۵	غم از مرگ اندیشی	۳
۴۱	غم حاصل از حبس	۴
۱۷	عشق	۵
۲۰	تخیل	۶
۵	قهرمان گرایی	۷



## منابع و مآخذ

۱. بتلاب اکبرآبادی، محسن و خزانه دارلو، محمدعلی. (۱۳۹۰). «نمودهای رمانتیسیم در نفثه‌المصدر». **متن‌شناسی ادب فارسی**. شماره ۱۱. صص: ۶۰-۴۷.
۲. تسلیمی، علی. (۱۳۹۰). **نقد ادبی (نظریه‌های ادبی و کاربرد آن‌ها در ادبیات فارسی)**. چاپ دوم. تهران: نشر آمه.
۳. تنوخی، داوود بن ابراهیم. (۱۳۸۳). **فرج بعد از شدت**. ترجمه حسین اسعد دهستانی. تهران: انتشارات امید مجد.
۴. ثروت، منصور. (۱۳۸۵). **آشنایی با مکتب‌های ادبی**. تهران: انتشارات سخن.
۵. جعفری جزئی، مسعود. (۱۳۷۸). **سیر رمانتیسیم در اروپا**. تهران: مرکز.
۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). **سیر رمانتیسیم در ایران**. تهران: مرکز.
۷. حاکمی، اسماعیل. (۱۳۷۲). «نکاتی پیرامون کتاب فرج بعد از شدت». **مجله میراث جاویدان**. شماره ۱. صص: ۹۴-۹۲.
۸. خاکپور، محمد و اکرمی، میرجلیل. (۱۳۸۹). «رمانتیسیم و مضامین آن در شعر معاصر فارسی». **کاوش نامه**. شماره ۲۱. صص: ۲۴۸-۲۲۵.
۹. سیدحسینی، رضا. (۱۳۷۶). **مکتب‌های ادبی**. چاپ یازدهم. تهران: انتشارات نگاه.
۱۰. فتوحی، محمود. (۱۳۸۵). **بلاغت تصویر**. تهران: انتشارات سخن.
۱۱. فورست، لیلیان. (۱۳۷۵). **رمانتیسیم**. ترجمه مسعود جعفری جزئی. تهران: نشر مرکز.
۱۲. کمالی‌بانیانی، مهدی‌رضا. (۱۳۸۹). «تلفیق رمانتیسیم و سمبلیسم در ساختارهای شعری نیمایوشیج». **نیما و میراث نو** (مجموعه مقاله‌های دومین همایش نیماشناسی).
۱۳. مرتضویان، علی. (۱۳۸۶). **رمانتیسیم در اندیشه‌ی سیاسی**. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. نبی‌لو، علیرضا و فتحی نجف‌آبادی، هاجر. (۱۳۸۸). «تحلیل عناصر داستانی الفرج بعد الشده». **پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)**. سال ۳. شماره ۴. صص: ۱۳۲-۱۰۹.
۱۵. نصرآزادانی، ناهید و محمدی فشارکی، محسن. (۱۳۹۵). «تحلیل ساختاری داستان‌های غنایی ترجمه فرج بعد از شدت براساس دیدگاه‌های پراپ». **متن‌شناسی ادب فارسی**. شماره ۲۹. صص: ۹۲-۷۱.

## References

- Batlab Akbarabadi, Mohsen. Khazanedarlou, Muhammadali. (2010). Romanticism features in Nafthatul Masdour. *Textual criticism of Persian literature*, 11, 47-60.
- Forest, Lilian. (1995). *Romanticism*. Masoud Jafari Jazi (Trans.). Tehran: Markaz.
- Fotuhi, Mahmud. (2005). *Rhetoric of image*. Tehran: Sokhan.
- Hakemi, Ismaeil. (1993). some points about Faraj Ba'd Az Sheddad. *Eternal legacy magazine*, 1, 92-94.
- Jafari Jazi, Masoud. (1998). *Romanticism in Europe*. Tehran: Markaz.
- \_\_\_\_\_ . (2006). *Romanticism in Iran*. Tehran: Markaz.
- Kamali Baniani, Mahdireza. (2009). Integration of romanticism and symbolism in Nima Youshij Poetry Structures. *Nima and new legacy (Proceedings of the second conference on nima)*.
- Khakpour, Muhammad. Akrami, Mirjalil. (2009). Romanticism and its themes in Persian poetry. *Kaveshnameh*, 21/225-248.
- Mortazavian, Ali. (2006). *Romanticism in political thoughts*. Tehran: Ministry of culture and Islamic guidance.
- Nabilou, Alireza. Fathi Najafabadi, Hajar. (2008). Analysis of fictional elements in Faraj ba'd Az Sheddad. *Researches on mystical literature (gowhar-i-Guya)*, 3/4, 109-132.
- Nasrazadani, Nahid. Muhammadi Fesharaki, Mohsen. (2016). Structural analysis of lyric stories in translation of Faraj Ba'd Az Sheddad According to prop's view. *Textual criticism of Persian literature*, 29, 71-92 .
- Sayyedhoseini, Reza. (1997). *Literary school*. Print 11. Tehran: Negah.
- Seervat, Mansour. (2005). *an introduction to literary schools*. Tehran: Sokhan.
- Tanoukhi, davood Ibn e Ibrahim. (2003). *Faraj Ba'd Az Sheddad (comfort after suffering)*. Hossein As'ad Dehestani (Trans.). Tehran: Omid Majd Press.
- Taslimi, Ali. (2010). *Literary criticism (literary theories and its usage in Persian literature)*. Print 2. Tehran: Ameh.